Scientific-Research Quarterly Siasat-e Motalieh
14th Year, No. 53, 2026

An Examination of the Functions of the Islamic State in Shi'i Thought: A Focus on Contemporary Jurists, with Particular Emphasis on Imam Khomeini's Views and a Comparison with Hasan al-Banna's Thought

Habib Hatami Kankaboud

Associate Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Qom, Qom, Iran. h-hatami@qom.ac.ir

Abstract

Adopting a descriptive-analytical approach and employing qualitative content analysis, this study compares the functions of the Islamic state within two contemporary discourses: Shi'i thought, with particular emphasis on Imam Khomeini's views, and Sunni thought, with a focus on Hasan al-Banna's ideas. It examines the legitimacy of the political system, the locus of decision-making, the exercise of power, the scope of state intervention, and the people's right to exercise oversight and voice criticism. The findings indicate that, in the theory of Wilayat al-Faqih (Guardianship of the Islamic Jurist), governmental legitimacy derives from divine appointment, while the people help bring government into practical existence and sustain it through political participation. By contrast, in the thought of the Muslim Brotherhood, legitimacy rests on the social contract and shura (consultation). Under the Wilayat al-Faqih system, decision-making authority lies with the Supreme Leader and the three branches of government, with the latter operating under the Leader's supervision. In al-Banna's thought, however, the consultative assembly (Majlis Shura) serves as the principal decision-making body. Using a comparative table, the study systematically identifies similarities and differences between the two discourses. It demonstrates that, despite substantial common ground in their overarching objectives—including the implementation of Islamic law (Shari'a), the establishment of Islamic government, and opposition to Western influence—fundamental differences remain in the foundations of political legitimacy, the role of the people, and the locus of decision-making.

Keywords: Islamic government, Islamic state, Wilayat al-Faqih, Imam Khomeini, Hasan al-Banna, political legitimacy, Shi'i thought, contemporary Islamic jurists, Sunni Islam.

Received: 2025-08-02 ; **Received in revised form:** 2025-10-23 ; **Accepted:** 2025-11-14 ; **Published online:** 2026-03-30
https://doi.org/10.22034/sm.2023.1990614.2041
© the authors
http://sm.psas.ir **Article type:** Research Article
Publisher: Political Studies Association of the Seminary

فصلنامه علمی - پژوهشی سیاست متعالیه
سال ۱۴، شماره ۵۳، ۱۴۰۵

خوانشی بر کارکرد دولت اسلامی در تفکر شیعی با تکیه بر فقهای معاصر (با تاکید بر آراء امام خمینی و مقایسه تطبیقی با اندیشه حسن البنا)

حبیب حاتمی کنکبود

دانشیار، گروه معارف اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران. h-hatami@qom.ac.ir

چکیده

پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی، درصدد تبیین تطبیقی کارکرد دولت اسلامی در دو گفتمان شیعی (با تأکید بر آراء امام خمینی) و سنّی معاصر (با تأکید بر اندیشه حسن البنا) است و به بررسی مباحث مشروعیت نظام، مرکز تصمیم‌گیری، فرایند قدرت، قلمرو دخالت دولت و حق نظارت و انتقاد مردم می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که در تفکر ولایت فقیه، مشروعیت حکومت ریشه در نصب الهی دارد و مردم نقش فعلیت‌بخش و مشارکت‌آفرین ایفا می‌کنند؛ در حالی‌که در اندیشه اخوان‌المسلمین، مشروعیت بر پایه قرارداد اجتماعی و شورا استوار است. همچنین در نظام ولایت فقیه، مرکز تصمیم‌گیری متشکل از رهبری و قوای سه‌گانه با نظارت رهبر است، در حالی‌که در اندیشه البنا، مجلس شورا به‌عنوان کانون اصلی تصمیم‌گیری مطرح می‌شود. این پژوهش با ارائه جدول تطبیقی، نقاط اشتراک و افتراق دو گفتمان را به‌صورت نظام‌مند تبیین کرده و نشان می‌دهد که با وجود اشتراکات فراوان در اهداف کلان (اجرای شریعت، ایجاد حکومت اسلامی و مقابله با غرب)، تفاوت‌های بنیادینی در مبانی مشروعیت، نقش مردم و مرکز تصمیم‌گیری میان دو گفتمان وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: حکومت اسلامی، دولت اسلامی، ولایت فقیه، امام خمینی، حسن البنا، مشروعیت، تفکر شیعی، فقهای معاصر، اهل سنّت.

استناد به این مقاله: حاتمی کنکبود، حبیب (۱۴۰۵). خوانشی بر کارکرد دولت اسلامی در تفکر شیعی با تکیه بر فقهای معاصر (با تاکید بر آراء امام خمینی و مقایسه تطبیقی با اندیشه حسن البنا). *سیاست متعالیه*، ۱۴(۱): ص۲۵-۴۲. https://doi.org/10.22034/sm.2023.1990614.2041

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۱۱ ؛ **تاریخ اصلاح:** ۱۴۰۴/۰۸/۰۱ ؛ **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۴/۰۸/۲۳ ؛ **تاریخ انتشار:** ۱۴۰۵/۰۱/۱۰

ناشر: انجمن مطالعات سیاسی حوزه **نوع مقاله:** پژوهشی http://sm.psas.ir

© the authors

مقدمه

از مباحث مهم و اساسی در تفکر اسلامی، بحث حاکمیت است که بررسی دیدگاه‌ها و مبانی حکومت در نزد دو گروه بزرگ اسلامی (شیعه و سنّی) در طول تاریخ اسلام مطرح بوده و سوالاتی همچون: شیوه حکومت و حاکمیت در اسلام چگونه است؟ نظام سیاسی اسلام چیست؟ چگونه می‌توان حکومت اسلامی ایجاد کرد؟ را به همراه داشته است. در قرن معاصر، نظام جمهوری اسلامی ایران با احیای نظریه ولایت فقیه به رهبری امام خمینی، در راستای حل این سوالات در عرصه تشکیل حکومت، همت ویژه‌ای مصروف داشته و بر بازگشت به ارزش‌های اسلامی و احیای اسلام اصیل به‌عنوان تنها راه برون‌رفت از بحران‌های موجود در جهان اسلام تأکید می‌کند. این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی، به دلیل اهمیت مسئله در رستاخیز دینی برای احیای اسلام و تحولات اسلامی در جهان اسلام، به بررسی ابعادی از مسئله می‌پردازد. امام خمینی به‌عنوان اندیشمندی که علاوه‌بر تلاش‌های فراوان برای اصلاح وضعیت جهان اسلام و تشکیل حکومت اسلامی، از بزرگ‌ترین و تأثیرگذارترین شخصیت‌هایی هستند که در دوران اخیر، در جوامع اسلامی تأثیرات عمیقی بر افکار و اندیشه متفکران اسلامی برجای نهاده، موجب بیداری امت اسلامی گردیده و با قرائت خود از اسلام، فصل جدیدی را در عالم اندیشه گشوده‌اند، با عنایت به اینکه بحث از حکومت اسلامی در نزد ایشان ابعاد مختلفی دارد که مجال وسیعی می‌طلبد، این پژوهش به‌عنوان یک پژوهش تطبیقی، کارکرد دولت اسلامی را در دو گفتمان شیعی (با محوریت آراء امام خمینی) و سنّی معاصر (با محوریت اندیشه حسن البنا، بنیانگذار اخوان‌المسلمین) مورد بررسی قرار می‌دهد. برخی محققان این فرایند را «جریان سیاست‌گذاری» می‌نامند (چیلکوت، ۱۳۷۷، ص۲۶۲). مفهوم کارکرد در دیدگاه‌های حاکمیت جدید، ناظر به تکالیفی است که عملکرد هر واحد از حکومت به فعالیت کل نظام سیاسی دارد و مفاهیم مشروعیت، مرکز تصمیم‌گیری، دامنه قدرت و شیوه جریان قدرت از مفاهیم اساسی آن می‌باشند. در این پژوهش، تعریف کارکرد در نظریه جمهوری اسلامی مربوط به وظایفی است که فعالیت هر واحد از نظام جمهوری اسلامی در کل نظام سیاسی ایفا می‌کند و مباحث اساسی مشروعیت و مرکز تصمیم‌گیری، فرآیند قدرت، دامنه قدرت و بازخورد (حق اعتراض، انتقاد و نظارت) مورد بحث قرار خواهد گرفت.

۱. بیان مسئله

در جهان معاصر، جوامع اسلامی با چالش‌های متعددی در عرصه حکمرانی مواجه هستند. یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها، تبیین الگوی مطلوب حکومت اسلامی و کارکردهای آن در عصر غیبت است.

در این میان، دو گفتمان تأثیرگذار در جهان اسلام مطرح شده‌اند: گفتمان شیعی با نظریه ولایت فقیه که توسط امام خمینی به‌عنوان الگوی حکمرانی در عصر غیبت مطرح گردید، و گفتمان اهل سنّت با رویکرد اخوان‌المسلمین که حسن البنا آن را پایه‌گذاری کرد. هرچند هر دو گفتمان بر ضرورت تشکیل حکومت اسلامی و اجرای شریعت تأکید دارند، اما در مبانی، اصول و کارکردهای حکومت، دارای تفاوت‌های قابل‌توجهی هستند. پرسش اصلی این است که کارکرد دولت اسلامی در دو گفتمان یادشده چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی دارد و چگونه می‌توان از این تطبیق، الگویی کارآمد برای حکمرانی اسلامی معاصر ارائه داد؟ پژوهش حاضر درپی پاسخ به این پرسش با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع دست اول و پژوهش‌های معاصر است.

۲. سوالات اصلی و فرعی

سوال اصلی: کارکرد دولت اسلامی در دو گفتمان شیعی (با تأکید بر آراء امام خمینی) و سنّی معاصر (با تأکید بر اندیشه حسن البنا) چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی در پنج محور مشروعیت، مرکز تصمیم‌گیری، فرایند قدرت، قلمرو دخالت دولت و حق نظارت و انتقاد دارد؟

سوالات فرعی:

۱) منبع مشروعیت و مرکز تصمیم‌گیری در نظام ولایت فقیه و اندیشه حسن البنا چگونه تبیین شده است؟

۲) فرایند قدرت و نحوه جریان‌یابی آن در دو گفتمان چگونه شکل می‌گیرد؟

۳) قلمرو و گستره ورود دولت در امور عمومی و خصوصی در دو گفتمان چگونه تعیین شده است؟

۴) حق نظارت، انتقاد و اعتراض مردم و نخبگان در دو گفتمان چگونه ترسیم شده است؟

۳. فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اصلی: به نظر می‌رسد تفاوت‌های بنیادین دو گفتمان در مبانی مشروعیت (مشروعیت الهی در نظریه ولایت فقیه در مقابل مشروعیت قراردادی در اندیشه البنا)، تأثیر مستقیمی بر سایر کارکردهای دولت ازجمله مرکز تصمیم‌گیری، فرایند قدرت، قلمرو دخالت و حق نظارت و انتقاد داشته است.

فرضیه‌های فرعی:

۱) در نظام ولایت فقیه، مشروعیت الهی با مقبولیت مردمی تلفیق شده و این دوگانه، الگوی حکمرانی ویژه‌ای را رقم زده است، در حالی‌که در اندیشه البنا، مشروعیت صرفاً بر پایه قرارداد اجتماعی و شورا استوار است.

۲) مرکز تصمیم‌گیری در نظام ولایت فقیه متشکّل از رهبری و قوای سه‌گانه با نظارت رهبر است، در حالی‌که در اندیشه البنا، مجلس شورا به‌عنوان کانون اصلی تصمیم‌گیری مطرح می‌شود.

۳) با وجود تفاوت‌های اساسی، هر دو گفتمان بر ضرورت نظارت همگانی و حق نقد و انتقاد مردم بر حاکمان تأکید دارند، اما سازوکارهای عملی‌سازی این حق در دو گفتمان متفاوت است.

٤. پیشینه پژوهش

پژوهش در زمینه کارکرد دولت اسلامی در دو گفتمان شیعه و سنّی، سابقه‌ای قابل‌توجه دارد و می‌توان آن را به دو دسته کلی تقسیم کرد: مطالعات مربوط به اندیشه سیاسی شیعه و نظریه ولایت فقیه، و مطالعات مربوط به اندیشه سیاسی اهل سنّت و جریان اخوان‌المسلمین.

٤-١. مطالعات مرتبط با نظریه ولایت فقیه

در حوزه نظریه ولایت فقیه، آثار متعددی به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی ایران تولید شده است. ازجمله مهم‌ترین این آثار، کتاب «ولایت فقیه (حکومت اسلامی)» اثر امام خمینی (۱۳۵۷) بوده که مبانی فقهی و کلامی این نظریه را به‌صورت منسجم تبیین کرده است. همچنین کتاب «دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الاسلامیة» اثر آیت‌الله منتظری (۱۴۰۸ق) ازجمله آثار مهمی می‌باشد که به بررسی ابعاد فقهی ولایت فقیه پرداخته است. در میان آثار معاصر، کتاب «نظام سیاسی و دولت در اسلام» اثر فیرحی (۱۳۹۲) به‌عنوان یکی از جامع‌ترین پژوهش‌ها در حوزه دولت اسلامی، به بررسی تطبیقی اندیشه سیاسی در اسلام پرداخته و بخش قابل‌توجهی را به نظریه ولایت فقیه اختصاص داده است. همچنین کتاب «اندیشه سیاسی امام خمینی» اثر جمشیدی (۱۳۸۸) و «اندیشه سیاسی امام خمینی» اثر فوزی (۱۳۹۴) ازجمله پژوهش‌های معتبر در این حوزه به‌شمار می‌روند. مقاله «کنترل قدرت در حقوق اسلامی جمهوری اسلامی ایران» اثر الیاسی (۱۳۹۰) نیز ازجمله مقالاتی بوده که به‌طور خاص به کارکرد نظارت و کنترل قدرت در نظام ولایت فقیه پرداخته است.

٤-٢. مطالعات مرتبط با اندیشه حسن البنا و اخوان‌المسلمین

در حوزه اندیشه سیاسی اهل سنّت معاصر، آثار متعددی به بررسی آراء حسن البنا و جریان اخوان‌المسلمین پرداخته‌اند. ازجمله مهم‌ترین منابع اولیه، «مجموعه رسائل» حسن البنا (بی‌تا) است که مهم‌ترین مبانی فکری وی را شامل می‌شود. همچنین کتاب «فهم الاسلام فی ظلال الاصول العشرین للامام الشهید حسن البنا» اثر جمعه امین عبدالعزیز (۱۴۱۹ق) به تبیین اصول بیست‌گانه فکری البنا پرداخته است. کتاب «الاسلام و

احلامه» اثر الریس (بی‌تا) نیز ازجمله پژوهش‌هایی است که نظام حکومت در اندیشه اخوان‌المسلمین را بررسی می‌کند. در میان پژوهش‌های معاصر فارسی، کتاب «جریان‌های سیاسی اسلام‌گرای معاصر» و مقالات متعدد دیگر به بررسی تطبیقی اندیشه‌های البنا و اخوان‌المسلمین پرداخته‌اند.

٤-۳. نوآوری پژوهش

با وجود غنای مطالعات اشاره شده، خلأ اصلی در نبود پژوهشی نظام‌مند است که با رویکردی تحلیلی-تطبیقی، کارکرد دولت اسلامی را در پنج محور اساسی (مشروعیت، مرکز تصمیم‌گیری، فرایند قدرت، قلمرو دخالت و حق نظارت) در دو گفتمان شیعی (با تأکید بر آراء امام خمینی) و سنّی معاصر (با تأکید بر اندیشه حسن البنا) به‌صورت تطبیقی و با ارائه جدول تحلیلی مورد بررسی قرار دهد. اکثر تحقیقات موجود، یا بدون توجه به مقایسه با گفتمان‌های رقیب، بر اندیشه امام خمینی متمرکز بوده‌اند، یا بدون تشریح ساختارها و کارکردهای نهادی دولت در این مسیر، به بررسی اجمالی اندیشه‌های البنا پرداخته‌اند. بنابراین، تحقیق حاضر درصدد است تا با پرکردن این شکاف، با ارائه الگویی تطبیقی ارائه دهد که نشان دهد چگونه کارکرد دولت اسلامی در دو گفتمان مذکور، با وجود اشتراکات در اهداف کلان، تفاوت‌های بنیادینی در مبانی و سازوکارها دارد و این تفاوت‌ها چه ثمری برای فهم معاصر از حکومت اسلامی دارد.

۵. روش تحقیق

۵-۱. روش، رویکرد و منطق پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، در زمره پژوهش‌های بنیادی-نظریه‌پردازی قرار دارد و از نظر ماهیت و روش، توصیفی-تحلیلی است که با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کیفی به گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها می‌پردازد. منطق حاکم بر این پژوهش، منطق تطبیقی است که براساس آن، دو گفتمان شیعی (با محوریت آراء امام خمینی) و سنّی معاصر (با محوریت اندیشه حسن البنا) در چهارچوب پنج شاخص کارکردی (مشروعیت، مرکز تصمیم‌گیری، فرایند قدرت، قلمرو دخالت دولت و حق نظارت و انتقاد) مورد مقایسه قرار می‌گیرند.

۵-۲. معیارهای انتخاب منابع و شیوه تحلیل

معیارهای انتخاب منابع: ۱) منابع دست اول شیعی: آثار مکتوب امام خمینی شامل «ولایت فقیه (حکومت اسلامی)»، «صحیفه امام» در ۲۲ جلد، «صحیفه نور» و «کتاب البیع» که به‌عنوان منابع اصلی و

دست اول در تبیین نظریه ولایت فقیه به‌کار رفته‌اند. ۲) منابع دست اول اهل سنّت اخوانی: آثار حسن البنا شامل «مجموعه رسائل» (شامل رساله‌های نظام الحکم، الجهاد و...) و همچنین آثار دیگر اندیشمندان اخوان‌المسلمین مانند عبدالقادر عوده و یوسف قرضاوی که مکمّل اندیشه البنا هستند. ۳) پژوهش‌های معاصر: از آثار پژوهشگران معاصر در حوزه فلسفه سیاسی اسلام و دولت اسلامی برای غنای تحلیلی و ارائه چارچوب نظری استفاده شده است.

شیوه تحلیل متن: پس از استخراج داده‌ها از منابع، مفاهیم اصلی با استفاده از روش کدگذاری کیفی شناسایی و در چهارچوب پنج شاخص کارکردی دسته‌بندی شده‌اند. سپس با استفاده از روش تطبیقی (مقایسه مداوم)، نقاط اشتراک و افتراق دو گفتمان در هر شاخص استخراج و تحلیل شده است. در مرحله نهایی، برای نمایش نظام‌مند یافته‌ها، جدول تطبیقی تدوین شده است.

۵-۳. جامعه آماری و نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش، تمامی منابع مکتوب مرتبط با اندیشه سیاسی امام خمینی و حسن البنا است که به موضوع کارکرد دولت اسلامی پرداخته‌اند. نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین این منابع انجام گرفته که عبارتند از: صحیفه امام (۲۲ جلد)، کتاب «ولایت فقیه، کتاب البیع، مجموعه رسائل حسن البنا»، و همچنین پژوهش‌های معتبر معاصر در این حوزه.

٦. مبانی نظری و مفهوم‌شناسی

٦-١. کارکرد دولت: چارچوب مفهومی

پیش از ورود به بحث تطبیقی، لازم است مفهوم «کارکرد دولت» در اندیشه سیاسی معاصر روشن شود. کارکردهای یک نظام سیاسی، مجموعه وظایفی است که هر نهاد و واحد سیاسی در راستای تحقق اهداف کلان نظام ایفا می‌کند. وینسنت در نظریه‌های دولت، کارکرد دولت را به سه سطح تحلیل می‌برد: سطح مشروعیت‌بخشی، سطح تصمیم‌گیری و اجرا، و سطح نظارت و بازخورد (وینسنت، ۱۳۷۵، ص۷۷-۱۲۲). بر این اساس، در این پژوهش چهار مؤلفه اصلی کارکرد دولت در دو گفتمان شیعی و سنّی بررسی خواهد شد:

۱) **مشروعیت و مرکز تصمیم‌گیری:** منبع حق حاکمیت و نهاد متولی اتخاذ تصمیمات کلان.

۲) **فرایند قدرت:** نحوه جریان‌یابی قدرت از مرکز تا سطوح مختلف جامعه.

۳) **قلمرو دخالت دولت:** گستره ورود حکومت به عرصه‌های عمومی و خصوصی.

۴) **بازخورد و نظارت:** حق مردم و نهادهای مدنی در نقد، نظارت و اعتراض.

٦-۲. جایگاه حکومت در اندیشه سیاسی شیعه و سنّی

اندیشه سیاسی شیعه بر دوگانه «عصمت و منصوص بودن» استوار است. شیعیان امامیه، امامت را از اصول عقاید می‌دانند و معتقدند حاکمیت مشروع، منحصر به امام معصوم و نصب الهی است. براساس تفکر سنتی در فقه سیاسی شیعی، تشکیل حکومت منوط به حضور امام معصوم بوده و در عصر غیبت، این مسئله با چالش جدّی مواجه بوده است (شیخ مفید، به نقل از: صدرا، ۱۳۹۴). اما در دوره معاصر، امام خمینی نظریه ولایت فقیه را به‌عنوان راهکاری برای خروج از این چالش مطرح کرد و براساس آن، فقیه جامع‌الشرایط به‌عنوان نایب عام امام زمان(عج) عهده‌دار رهبری جامعه اسلامی در عصر غیبت شد. این نظریه، نقطه عطفی در تاریخ فقه سیاسی شیعه محسوب می‌شود (صدرا، ۱۳۹۴). در مقابل، در اندیشه سیاسی اهل سنّت، بحث امامت از امور فقهی و ظنّی شمرده می‌شود و حاکمیت براساس شورا و عقد بیعت میان مردم و حاکم شکل می‌گیرد. در دوره معاصر، جریان اخوان‌المسلمین به‌عنوان یکی از تأثیرگذارترین جریان‌های سنّی، رویکردی نو به مسئله حکومت ارائه داده است. حسن البنا، بنیانگذار اخوان‌المسلمین، حکومت اسلامی را «حکومت شورایی مردم‌سالار و مقید به قانون اساسی اسلامی» تعریف کرده است (الریس، بی‌تا، ص۲۶۳).

۷. یافته‌های پژوهش

۷-۱. مشروعیت و مرکز تصمیم‌گیری

۷-۱-۱. نظریه ولایت فقیه (امام خمینی)

اساساً یک سوال مهم و اساسی در فلسفه سیاست این است که چه کسی حق دارد بر مسند حکومت قرار بگیرد و اداره امور یک جامعه را در دست داشته باشد. بحث مشروعیت به مفهوم قانونمند بودن، بنیانی است که هیچ موسسه‌ای بدون بهره‌مندی از آن نمی‌تواند ایجاد شود و فعالیت داشته باشد (جمشیدی، ۱۳۸۸، ص۶۳۵). در تفکر اسلامی با قرائت شیعی، حق مالکیت و حکومت ذاتاً و اصالتاً از آنِ خدای متعال است و هیچ فرد یا گروهی از چنین حقی برخوردار نیست، مگر آنکه دلیلی در دست باشد که خداوند این حق را به او داده است. در این تفکر، خداوند این حق را به پیامبر گرامی اسلام(ص) و پس از او به دوازده امام معصوم و سپس به فقیه جامع‌الشرایط در زمان غیبت امام زمان(عج) عطا نموده است (امام خمینی، ۱۳۵۷، ص۵۲-۶۰). امام خمینی در کتاب «ولایت فقیه»، ضمن تبیین مبانی نقلی و عقلی ولایت فقیه، بر این نکته تأکید می‌کند که فقیه جامع‌الشرایط در عصر غیبت، از سوی امام معصوم(ع) به‌عنوان «نایب عام» منصوب شده و تمام اختیارات حکومتی امام معصوم را داراست (امام خمینی، ۱۳۵۷، ص۱۸۰-۲۰۰). ایشان در این

باره می‌نویسد: «اگر اختیارات حکومت در چهارچوب احکام فرعیه الهیه است، باید عرض حکومت الهیه و ولایت مطلقه مفوّضه به نبیّ اسلام(ص) یک پدیده بی‌معنا و محتوا باشد» (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج۲۰، ص۴۵۱). با وجود تأکید بر مشروعیت الهی، امام خمینی نقش مردم را در فعلیت‌بخشی به حکومت بسیار حیاتی می‌دانست. ایشان در صحیفه امام (ج۴، ص۳۶۷) بر «ضرورت عدم تحمیل بر مردم» تأکید کرده و در جای دیگر می‌نویسد: «مردم مقدمه‌ای واجب برای تشکیل حکومت و استمرار آن هستند» (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج۱۱، ص۴۵۹). به بیان دیگر، در نظریه ولایت فقیه، مشروعیت دو سطح دارد: مشروعیت ذاتی الهی که از نصب عام امام معصوم(ع) ناشی می‌شود، و مشروعیت تحققی مردمی که از طریق بیعت، انتخابات و مشارکت عمومی فعلیت می‌یابد (مطهری، ۱۳۷۷، ص۱۵۲). این تفکیک، گرهگشای بسیاری از ابهامات در نسبت‌سنجی مشروعیت و مقبولیت در نظام جمهوری اسلامی است. در تعیین مرکز تصمیم‌گیری، دیدگاه‌های متفاوتی در تحلیل تفکر امام خمینی و قانون اساسی وجود دارد. سه دیدگاه اصلی در این زمینه قابل شناسایی است: دیدگاه مشروعیت الهی و مردمی و دوگانه (الهی- مردمی) که هر سه بر نقش ولی فقیه در حکومت جمهوری اسلامی تأکید دارند (کواکبیان، ۱۳۷۸، ص۶۳). مطابق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (اصل پنجم)، در زمان غیبت امام عصر(عج)، ولایت امر و امامت امت برعهده فقیه عادل و با تقوا، آگاه به زمان و مدیر و مدبر است.

۷-۱-۲. اندیشه حسن البنا و اخوان‌المسلمین

در اینجا به تناسب جا دارد به بررسی مسأله حکومت در نزد اهل سنّت و بخصوص طرفداران جدی اندیشه حکومت اسلامی قرن اخیر (یعنی اخوان المسلمین) پرداخته شود؛ چراکه ایشان و به ویژه موسس آن حسن البنا نهایت تلاش خود را در این خصوص به‌کار گرفته است:

◆ بین اهل سنّت، برخلاف دیدگاه‌های پیشین که فقط حاکم به‌عنوان رهبر فعالیت داشت، حاکمیت بر نهاد شورا تأکید دارد. در فضای جدید، بر قانون اساسی تأکید می‌شود (امین، ۱۳۷۶، ص۳۳، ۲۲۹). برخی از خلافت‌گرایان جدید، از دو نوع مجلس شورا سخن می‌گویند: «مجلس شورای ملی» و «مجلس شورای مربوط به سازمان کشورهای اسلامی» (الریس، بی‌تا، ص۳۶۹-۳۷۱).

◆ حسن البنا، حکومت اسلامی را مبتنی بر سه اصل مهم می‌داند: مسئولیت حاکم در برابر مردم و خدا، وحدت امت اسلامی، و احترام به اراده امت (البنا، بی‌تا/ب، ص۲۲۸). از نظر البنا، حکومت اسلامی باید مبتنی بر قانون اساسی باشد که حدود و اختیارات حاکم و کیفیت ارتباط میان قوا را تصریح کرده است. اخوانی‌ها حاکم را مسئول اداره جامعه و اجرای احکام اسلامی و نیز در برابر مردم می‌دانند و عقیده دارند که

حاکم ملزم است به اراده و خواست مردم احترام بگذارد. بدیهی است که حاکم از دو جنبه محدود خواهد شد: یکی شرع مقدس و دیگری اراده و رأی مردم. از این‌رو، حاکم ضرورتاً در موارد منصوص از جانب شرع، مطابق همان نص رفتار می‌کند (عوده، ۱۹۷۷م، ص۲۵)؛ در غیر این صورت باید مطابق نظر و مشورت اهل شورا عمل نماید (قرضاوی، ۱۹۹۷م، ص۱۲۱).

۷-۲. فرایند قدرت

۷-۲-۱. فرایند قدرت در نظریه امام خمینی

مقصود از جریان قدرت در حکومت سیاسی، مهندسی جهت انتقال اطلاعات و اوامر از ارکان مهم آن حکومت است. به‌طور کلی دو جریان اصلی در تاریخ نظام‌های سیاسی قرار دارد: جریان اقتدارگرای قدرت که نگاه بالا به پایین داشته و جریان مردم‌سالار که نگرش پایین به بالا دارد و سایر نظام‌های سیاسی غالباً حالت میانه دارند و بهره‌مند از این دو نوع رویکرد می‌باشند. در نظام اسلامی، سخن از تفکیک یا روابط قوا، به دلیل جلوگیری از تمرکز نامشروع و فسادانگیز قدرت به‌صورت جدی مطرح است و کنترل قدرت از مهم‌ترین مباحث حقوق عمومی به‌شمار می‌آید. اسلام عالی‌ترین مقام قدرت را به افراد صالح و عادل واگذار می‌کند که در تفکر امامیه، قدرت بالاصاله مخصوص خداوند است که به برترین بندگانش تفویض می‌کند که این مهم حتی در زمان غیبت نیز برای هدایت مردم پایه‌گذاری شده است (الیاسی، ۱۳۹۰، ص۱۴۱-۱۴۲). با توزیع قدرت میان قوا، تعادل برقرار می‌شود و هر یک متصدی امور محوله خود می‌شود و بخشی از قدرت حاکمیت به وسیله نهادهای مربوطه اعمال می‌گردد که برای تعادل و توازن قوا، بر مبنای اصول مصرحه قانون اساسی و اصل ولایت مطلقه فقیه، رهبری نظام، بر همه کانون‌های قدرت نظارت و کنترل دارد (الیاسی، ۱۳۹۰، ص۱۴۷). نکته حائز اهمیت این است که گرچه در نظام ولایت فقیه استقلال قوا نسبت به یکدیگر مطرح است، اما این قوا نسبت به رهبری دارای استقلال نیستند؛ زیرا مقام رهبری در جایگاه برتر (قانون اساسی، اصل ۱۱۳)، از جهت ولایت بر قوا (قانون اساسی، اصل ۵۷)، ناظر بر عملکرد آن‌هاست. نظارت رهبر بر قوه مقننه از طریق شورای نگهبان (اصل ۹۱، بند ۱)، بر دولت به وسیله کنار نهادن رئیس آن (اصل ۱۱۰، بند ۱۰) و بر دستگاه قضا با نصب و عزل قاضی‌القضّات (اصل ۱۱۰، بند «ب» و اصل ۱۵۷) اعمال می‌شود. قدرت رهبر به وسیله نهاد مستقل مجلس خبرگان رهبری، در مواقع لزوم کنترل می‌شود. طبق اصل ۱۴۲ قانون اساسی، دارایی رهبر به وسیله دستگاه قضا بررسی می‌گردد و ممانعت از انباشت دارایی، گونه‌ای از کنترل قدرت است؛ زیرا شاید مهم‌ترین انگیزه سوءاستفاده از قدرت، مباحث اقتصادی باشد (ناصحی، ۱۳۷۸، ص۷۷).

۷-۲-۲. فرایند قدرت در اندیشه اخوان‌المسلمین

در اندیشه حسن البنا، قدرت از طریق شورا و انتخاب مردم جریان می‌یابد. وی معتقد است که حاکم باید در برابر خدا و مردم مسئول باشد و اراده امت را محترم بشمارد (البنا، بی‌تا/ب). در این نگاه، قدرت حاکم محدود به شرع و اراده مردم است و قوای مختلف حکومتی با نظارت شورا به ایفای نقش می‌پردازند (عوده، ۱۹۷۷م، ص۲۵). به‌طور کلی، تفاوت اساسی دو گفتمان در نحوه جریان قدرت است: در گفتمان شیعی (ولایت فقیه)، قدرت الهی- مردمی است و رهبری به‌عنوان ناظر عالی بر قوا عمل می‌کند، اما در گفتمان سنّی (اخوان‌المسلمین)، قدرت مبتنی بر شورا و قرارداد اجتماعی بوده و نهادهای منتخب مردم نقش اصلی را ایفا می‌کنند.

۷-۳. قلمرو و گستره ورود حکومت در امور

۷-۳-۱. ولی‌فقیه و امکان تغییر قانون

دیدگاه «انتخاب ولی فقیه» ایجاب می‌کند که هر زمان ملت شخصی را براساس روندی که قانون معین نموده، به‌عنوان رهبر انتخاب کنند، در واقع رهبر را به تحقق قوانین و رفتار در حدود آن متعهد نموده‌اند (نوبهار، ۱۳۷۶، ج۵، ص۵۶۹). برخی از پیروان این دیدگاه با تکیه بر اصل ۱۷۷ قانون که در آن راه بررسی مجدد قانون اساسی در نظر گرفته شده، بر این باورند که قانون عهد بین ملت و حکومت است و نباید ولی‌فقیه اختیار مقابله با آن را داشته باشد و جز از راه بررسی مجدد، نتواند قانونی را که بین مردم و حکومت برقرار شده، ابطال نماید (فیرحی، ۱۳۹۲، ص۲۸۹). اما در نقطه مقابل، دیدگاه نصب می‌گوید در عصر عدم حضور امام زمان(عج)، ولایت فقیه به جای ایشان است و دارای قدرت اختیار نسبت به تمام اختیارهای حکومتی امام زمان(عج) می‌باشد و از این‌رو هیچ قانونی نمی‌تواند رهبر را محدود کند (کواکبیان، ۱۳۷۸، ص۲۴۶). احصائی نبودن و تمثیلی بودن مسائلی که در اصل ۱۱۰ قانون اساسی آمده، مورد تأکید آقای مصباح نیز هست (مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ج۲، ص۴۴).

۷-۳-۲. ولی‌فقیه و احکام دین

دیدگاه‌های حکومت جمهوری اسلامی، در مفهوم‌شناسی ولی‌فقیه و جایگاه و نقش وی، و همچنین احکام حکومتی و گستره قدرت حکومت با احکام اولیه و ثانویه دین، با تفاوت دیدگاه‌ها مواجه است. برخی از مراجع معاصر می‌گویند: وجود ولی فقیه برای تاثیرگذاری احکام اولیه و ثانویه و نه چیز دیگر، به صلاح حکومت است. ولایت اگر از گستره احکام اولیه و ثانویه اسلامی فراتر رود که ولایت اسلامی نمی‌باشد

(مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ق، ج۱، ص۵۴۹). در مقابل، در اندیشه امام خمینی، ولایت فقیه ولایتی مطلق و برگرفته از ولایت پیامبر(ص) و ائمه معصومین(ع) است و محدود به احکام اولیه و ثانویه نیست (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج۲۰، ص۴۵۱).

۷-۳-۳. قدرت حکومت و حریم خصوصی

دیدگاه امام خمینی این سوال را ایجاد می‌کند که آیا گستره قدرت دولت چنان دامنه‌ای دارد که حریم خصوصی را هم دربرمی‌گیرد یا همه بیان امام محدود به مسائل عمومی است؟ از ظاهر سخنان رهبر انقلاب برمی‌آید که رهبر جامعه اسلامی در مواردی که مختص حریم ملت است و عمومی نیست، نمی‌تواند وارد شود. ایشان در مسائلی همچون فرزندآوری و محدود نمودن مالکیت خصوصی، با تکیه بر مصالح عمومی، ورود حکومت را بلااشکال می‌داند، و درباره اینکه پیشگیری از فرزندآوری شرعاً مجاز است یا خیر، می‌نویسد: «بستگی دارد دولت چه بگوید» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج۴، ص۳۹). ولی این عبارت هرگز به مفهوم ناامنی حوزه خصوصی در برابر قدرت دولت نمی‌باشد. رهبر انقلاب در «فرمان ۸ ماده‌ای» که مورخ ۱۳۶۱/۹/۲۴ صادر گردیده است، ضمن تأکید بر استقلال، حرمت و حفظ حوزه عمومی، سفارش می‌کند که حکومت و قوه قضائیه از آرامش و امنیت زندگی و فکر مردم در زندگی خصوصی حمایت کنند. ایشان در فرازهایی از این فرمان، به ویژه در بندهای ۴-۷ به تعیین حوزه دخالت کارگزاران و دولت اسلامی در زندگی خصوصی مردم پرداخته و آشکارا هرگونه دخالت غیرقانونی در حوزه خصوصی را ممنوع اعلام کرده‌اند (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج۱۷، ص۲۲۱). همچنین در حکم تاریخ ۱۵ دی ماه ۱۳۶۱، در بند پنجم می‌نویسند: «تجسس از احوال اشخاص در غیر مفسدین و گروه‌های خرابکار مطلقاً ممنوع است ... و تجسس‌کننده معصیت‌کار است» (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج۱۷، ص۲۲۱). بنابراین، در نظام ولایت فقیه، گرچه دولت در امور عمومی و مصالح کلان حق ورود دارد، اما حریم خصوصی افراد محترم شمرده شده و هرگونه دخالت غیرقانونی در این حوزه ممنوع است. این رویکرد، تفاوت مهمی با نگاه اخوان‌المسلمین ندارد، اما ریشه‌های فقهی و حقوقی آن در نظام جمهوری اسلامی به‌صورت قانونی و نهادی تبیین شده است.

۷-٤. بازخورد: حق اعتراض، انتقاد و نظارت برای مردم و نخبگان

در منابع اسلامی به جنبه‌های مختلف حقوق مردم در حکومت به‌طور مستقیم و غیرمستقیم پرداخته شده است. زمینه‌هایی مانند حقوق متقابل مردم و حاکم، باب گسترده امر به معروف و نهی از منکر و موضوع شورا در اسلام، ازجمله سرفصل‌هایی است که می‌توان با پیگیری آنها در منابع اسلامی، بسیاری از پرسش‌های قابل

طرح در این موضوع را پاسخ داد.

۷-٤-۱. رویکرد شیعه و امام خمینی

با پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی در ایران و طرح مباحث حکومت اسلامی، حق و نقش مردم در حکومت جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است. از آنجا که امام خمینی قبل از آنکه یک تئوریسین سیاسی باشند، یک اسلام‌شناس خبره بودند، ملت را یکی از ارکان مهم دولت اسلامی می‌دانستند و در سخنان خود همواره بر ضرورت تکیه نظام به ملت، پرهیز از اجبار به مردم، رضایتمندی ملت، نظرات افراد و ... تأکید می‌نمودند. سخنرانی‌های امام خمینی سرشار از لفظ «مردم» (۱۲۱۲ مورد) و «ملت» (۱۵۳۲ مورد) می‌باشد و احتمالاً می‌توان گفت هیچ فقیهی به اندازه ایشان، ملت را دارای جایگاه ندانسته و ایشان را در تئوری و عملکرد مورد احترام قرار نداده است. جلوه اساسی نقش ملت در تفکر سیاسی امام خمینی، در دفاع وی از حکومت «جمهوری اسلامی» بوده که کلمه «جمهوری» در آن تأکیدی بر جایگاه مردم در حکومت اسلامی است. امام خمینی کوشید پیوند بین حکومت اسلامی و ملت را حفظ کند و با دیدگاه‌هایی مقابله کند که اسلام را متعارض با جمهوری می‌دانستند. افزون‌بر این، ایشان به تبیین دیدگاه خود درباره جمهوریت و وجوه تشابه و تمایز آن با دموکراسی و چگونگی رابطه اسلام و جمهوریت پرداختند (فوزی، ۱۳۹۴، ص۱۴۲). در یک جمع‌بندی از مباحث امام خمینی در مورد نقش مردم در حکومت، می‌توان مبانی نظری ایشان را در چند اصل خلاصه نمود: «ضرورت عدم تحمیل بر مردم» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج۱۱، ص۳۴)؛ «مردم مقدمه‌ای واجب برای تشکیل حکومت و استمرار آن» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج۱۱، ص۴۵۹)؛ «حق تعیین سرنوشت» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج۴، ص۳۶۷)؛ «اعتبار رأی اکثریت» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج۴، ص۵۲۹) و «مشارکت سیاسی، مهم‌ترین مظهر جمهوریت» (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج۹، ص۴۹). در خصوص حق نظارت و انتقاد، بر مبنای آموزه‌های اسلامی، عموم مردم از این حق برخوردارند که اولیای امور را نصیحت کنند و نظرات خیرخواهانه خود را بی‌هیچ ترسی و به‌طور صریح اعلام دارند. این حق در آثار امام خمینی نیز به‌وضوح تأکید شده است. نظارت همگانی در نظام جمهوری اسلامی نقش مهمی در کنترل قدرت دارد (الیاسی، ۱۳۹۰، ص۱۵۴).

۷-٤-۲. رویکرد اخوان‌المسلمین و حسن البنا

در قرن معاصر، در نگاه جدید اهل سنّت، توجه به نخبگان و اندیشمندان از ادعاهای اخوان است که در اصول بیست‌گانه «فهم الاسلام» حسن البنا، که مهم‌ترین مبانی فکری وی در آن مطرح شده، مورد تأکید می‌باشد (عبدالعزیز، ۱۴۱۹ق). به‌تبع تفکر فوق، یکی از مبانی تفکر اسلامی، فرصت دادن به مخالفان جهت

اظهار و ابراز اندیشه است تا بتوانند به‌طور آزادانه نظریات خود را بیان کنند (قرضاوی، ۱۳۹۰، ص۵۲). در تفکر اخوان، از نظر اسلام مردم نه‌تنها حق دارند از حکّام خود انتقاد کنند و آنها را نصیحت نمایند و از انحرافشان جلوگیری کنند، بلکه این کار بر آنان واجب و فریضه است (البنا، بی‌تا/ الف، ص۱۹۷). بر همین مبناست که مبارزه با ظلم و ستم از مصادیق امر به معروف و نهی از منکر شمرده می‌شود. حسن البنا می‌گوید: «از امور ملحق به جهاد، امر به معروف و نهی از منکر است که در روایت آمده «از بزرگ‌ترین جهادها کلمه حقی می‌باشد که در نزد سلطان ظالم و جائر است» (البنا، بی‌تا/ الف، ص۳۰).

۸. جدول تطبیقی: کارکرد دولت اسلامی در دو گفتمان شیعه و سنّی

براساس تحلیل‌های صورت گرفته در بخش‌های پیشین، جدول تطبیقی زیر نقاط اشتراک و افتراق دو گفتمان را به‌صورت نظام‌مند نشان می‌دهد:

جدول ۱- نقاط اشتراک و افتراق دو گفتمان شیعه و سنّی

شاخص کارکردی	نظریه ولایت فقیه (امام خمینی)	اندیشه خلافت/اخوان (حسن البنا)
منبع مشروعیت	الهی (نصب عام از سوی امام معصوم)؛ مردم نقش فعلیت‌بخش دارند	قراردادی (مردم و حاکم از طریق بیعت و شورا)
نقش مردم	مشروعیت‌بخش تحققی؛ فعلیت‌بخشی به حکومت؛ تعیین سرنوشت	منشأ مشروعیت از طریق انتخاب و شورا؛ حق تعیین سرنوشت
مرکز تصمیم‌گیری	ولی‌فقیه + قوای سه‌گانه (با نظارت رهبر)؛ مجلس خبرگان (نظارت بر رهبر)	مجلس شورا (ملی و اسلامی)؛ حاکم به‌عنوان مجری
فرایند قدرت	ولایت مطلقه فقیه در چارچوب مصلحت نظام و احکام الهی؛ تفکیک قوا با نظارت رهبر	مقید به شریعت و اراده مردم؛ تفکیک قوا با نظارت شورا
قلمرو دخالت دولت	ورود در امور عمومی و مصلحت‌محور؛ احترام به حریم خصوصی (فرمان ۸ ماده‌ای)	ورود در امور عمومی؛ احترام به حریم خصوصی؛ مقیّد به قانون اساسی
نظارت همگانی	امر به معروف و نهی از منکر؛ نقد مشروط در چارچوب قانون و شرع	حق نصیحت و انتقاد صریح از حاکم؛ امر به معروف و نهی از منکر
حق اعتراض	در چارچوب شرع و قانون؛ از طریق نهادهای قانونی (نمایندگی، مطبوعات، تظاهرات قانونی)	به‌عنوان فریضه و وظیفه شرعی؛ در چارچوب شریعت و مصالح امت
حکمرانی	الهی- مردمی (دوگانه)؛ تلفیق نصب و انتخاب	شورایی- مردمی (مقیّد به شریعت)؛ قراردادی
قانون‌گذاری	قوانین اسلامی از طریق مجلس شورای اسلامی و نظارت شورای نگهبان؛ اختیارات حکومتی ولی‌فقیه در راستای مصلحت	قوانین مبتنی بر شریعت از طریق مجلس شورای ملی و اسلامی؛ حاکم محدود به قانون اساسی

۹. نتیجه‌گیری

در مقام تحلیل تطبیقی دیدگاه‌های مذکور، باید گفت: تبارشناسی نظام سیاسی ولایت فقیه بر نظریه «امامت» که نمونه عالی دولت اسلامی از دیدگاه شیعیان است و آن را از ارکان اعتقادی (و نه فروع فقهی) اسلام می‌دانند، بنا نهاده شده است. براساس همین مبناست که برخلاف نظام سیاسی اهل سنّت (که مبنای مشروعیت حاکم از نظر ایشان آن است که حاکم به نیابت از مردم بر آنها حکومت می‌کند و حکومت تابع قراردادی میان مردم و حاکم است که حاکم متعهد است احکام اسلام را اجرا کند و مردم در مقابل، از او اطاعت کنند) در نظریه ولایت فقیه، حاکم مشروعیت خود را از خداوند گرفته و مردم در عین‌حال که موظف به تبعیت از وی هستند، نقش جدی در حکومت دارند. به همین دلیل، حق نظارت و انتقاد بر روند اداره حکومت توسط آحاد مردم مسلمان، از حقوقی است که در منابع اسلامی و آثار امام خمینی بر آن تأکید فراوان شده است. در نظریه نصب ولایت فقیه، ولی‌فقیه نائب امام زمان(عج) بوده و دارای تمام مسئولیت‌های حکومتی آن حضرت می‌باشد و اگر نمی‌توان محدوده اختیارات حضرت مهدی(عج) را به یازده مورد گفته شده در اصل ۱۱۰ قانون اساسی محدود دانست، ولی‌فقیه نیز غیرقابل تقیید به آن است. البته نظریه «انتخاب» باعث می‌شود که هر زمان افراد، شخصی را بر پایه سیری که قانون اساسی تعیین نموده، به هر طریقی به رهبری انتخاب کنند، در واقع صریحاً رهبر را به اجرای قانون اساسی و عمل نمودن نسبت به چهارچوب آن ملتزم کرده‌اند. در مورد قلمرو قدرت دولت، دیدگاه امام خمینی و نظام ولایت فقیه بر این اصل استوار است که دولت در امور عمومی و مصالح کلان حق ورود دارد، اما حریم خصوصی افراد محترم شمرده شده و هرگونه دخالت غیرقانونی در این حوزه ممنوع است. این رویکرد که در «فرمان ۸ ماده‌ای» به‌صراحت تبیین شده، تفاوت مهمی با نگاه اخوان‌المسلمین ندارد، اما ریشه‌های فقهی و حقوقی آن در نظام جمهوری اسلامی به‌صورت قانونی و نهادی تبیین شده است. در مقابل، در اندیشه حسن البنا و اخوان‌المسلمین، قلمرو دخالت دولت محدود به قانون اساسی و اراده مردم است و حاکم در موارد غیرمنصوص باید مطابق نظر و مشورت اهل شورا عمل کند.

۱۰-۱. دستاوردهای پژوهش برای فهم معاصر از حکومت اسلامی

۱) تبیین نسبت «مشروعیت» و «مقبولیت» در نظام ولایت فقیه: مشروعیت از نصب الهی و مقبولیت از مشارکت مردمی ناشی می‌شود و این دوگانه، راه را برای مردم‌سالاری دینی هموار می‌کنند.

۲) روشن‌سازی مرزهای قلمرو دولت: گرچه دولت در امور عمومی و مصالح کلان حق دخالت دارد، اما حریم خصوصی شهروندان در نظام ولایت فقیه محترم شمرده شده است.

۳) تبیین سازوکار نظارت در نظام اسلامی: نظارت بر قدرت، هم از طریق نهادهای رسمی (شورای نگهبان، مجلس خبرگان، قوه قضائیه) و هم از طریق نظارت همگانی (امر به معروف و نهی از منکر) ممکن شده است.

۱۰-۲. آزمون فرضیه‌ها

فرضیه اصلی پژوهش مبنی بر تأثیر مستقیم تفاوت مبانی مشروعیت بر سایر کارکردهای دولت، تأیید می‌شود. همچنین فرضیه فرعی اول (تلفیق مشروعیت الهی و مقبولیت مردمی در نظریه ولایت فقیه در مقابل مشروعیت صرفاً قراردادی در اندیشه البنا) و فرضیه فرعی دوم (تفاوت مرکز تصمیم‌گیری در دو گفتمان) نیز تأیید گردید. فرضیه فرعی سوم (تأکید هر دو گفتمان بر نظارت همگانی با سازوکارهای متفاوت) نیز مورد تأیید قرار گرفت.

۱۰-۳. پیشنهاد برای پژوهش‌های آینده:

۱) بررسی تطبیقی کارکرد دولت اسلامی در هر چهار مذهب فقهی اهل سنّت (حنفی، مالکی، شافعی، حنبلی) با رویکردی تحلیلی-تطبیقی.

۲) مطالعه نقش نهادهای مدنی و تشکّل‌های مردمی در نظارت بر قدرت در نظام جمهوری اسلامی.

۳) بازخوانی انتقادی دیدگاه‌های مخالفان ولایت فقیه در میان فقهای شیعه و اهل سنّت.

منـابـع

قرآن کریم.

امین، احمد (۱۳۷۶). *پیشگامان مسلمان تجددگرایی در عصر جدید*. ترجمه حسن یوسفی اشکوری. تهران: علمی و فرهنگی.

البنا، حسن (بی‌تا/الف). *رساله الجهاد*. بیروت: مطابع عویدات.

البنا، حسن (بی‌تا/ب). *مجموعه الرسائل، نظام الحکم*. دارالکلمه للنشر و التوزیع.

الیاسی، مرتضی (۱۳۹۰). کنترل قدرت در حقوق اسلامی جمهوری اسلامی ایران. *حکومت اسلامی*، ۱۶(۱)، صص۱۳۹-۱۷۰.

جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۸). *اندیشه سیاسی امام خمینی*. تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.

چیلکوت، روتالد (۱۳۷۷). *نظریه‌های سیاست مقایسه‌ای*. ترجمه وحید بزرگی و علیرضا طیب. تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.

خمینی، سید روح‌الله (۱۳۵۷). *ولایت فقیه (حکومت اسلامی)*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

خمینی، سید روح‌الله (۱۳۶۱). *صحیفه امام*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۴، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۰.

خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۸). *صحیفه نور*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۴، ۱۱.

خمینی، سید روح‌الله (بی‌تا). *کتاب البیع*. قم: انتشارات اسماعیلیان، ج۲.

الریس، محمد ضیاءالدین (بی‌تا). *الاسلام و احلامه*.

صدرا، علیرضا (۱۳۹۴). امام خمینی در نجف نظریه ولایت فقیه را تئوریزه کرد. *پایگاه تاریخ معاصر*.

عبدالعزیز، جمعه امین (۱۴۱۹ق). *فهم الاسلام فی ظلال الاصول العشرین للامام الشهید حسن البنا*. قاهره: دارالدعوه للطبع و النشر و التوزیع.

عوده، عبدالقادر (۱۹۷۷م). *الاسلام و اوضاعنا القانونیه*. قاهره: المختار الاسلامی.

فوزی، یحیی (۱۳۹۴). *اندیشه سیاسی امام خمینی*. قم: دفتر نشر معارف.

فیرحی، داود (۱۳۹۲). *نظام سیاسی و دولت در اسلام*. تهران: سمت.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. تهران: اداره‌کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۸.

قرضاوی، یوسف (۱۳۹۰). *سنّت سرچشمه دانش و تمدن*. ترجمه عبدالعزیز سلیمی. تهران: نشر احسان.

قرضاوی، یوسف (۱۹۹۷م). *الاسلام و العلمانیة وجها لوجه*. مکتبة وهبه.

کواکبیان، مصطفی (۱۳۷۸). *مبانی مشروعیت در نظام ولایت فقیه*. تهران: عروج.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۷). *پرسش‌ها و پاسخ‌ها*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ج۱-۲.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). *پیرامون انقلاب اسلامی*. تهران: صدرا.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۱ق). *انوار الفقاهة*. قم: مدرسه امیرالمؤمنین، ج۱.

منتظری، حسینعلی (۱۴۰۸ق). *دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الاسلامیة*. قم: المرکز العالمی للدراسات الاسلامیة، ج۱.

ناصحی، مصطفی (۱۳۷۸). *ولایت فقیه و تفکیک قوا*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

نوبهار، رحیم (۱۳۷۶). *ولایت مطلقة فقیه: فراقانونی یا در چهارچوب قانون*. در: مجموعه آثار کنگره امام خمینی و اندیشه حکومت اسلامی. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج۵.

وینسنت، انیزرو (۱۳۷۵). *نظریه‌های دولت*. ترجمه حسین بشیریه. تهران: نشر نی.